

# پایبندی به اهداف سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران

تقویت کننده سرمایه اجتماعی و پیش شرط به دست آوردن جایگاهی شایسته در اقتصاد

دکتر زهرا کریمی\*

## چکیده

مزیت‌های برجسته ایران از نظر منابع طبیعی، نیروی کار مستعد و موقعیت جغرافیایی ممتاز، زمینه مناسبی برای رسیدن به جایگاه کشوری پیشرفته و توانمند فراهم آورده است. ملت ایران، همانند دیگر ملت‌های جهان، خواستار زندگی در کشوری پیشرفته و نیرومند است. از همین رو انتظار می‌رود که سند چشم انداز که بر بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌های انسانی و مادی برای شتاب بخشیدن به آهنگ رشد و توسعه تأکید دارد، با ایجاد باور به آینده‌ای روشن، پویایی تازه‌ای برای مشارکت شهروندان در فرایند دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی بایسته فراهم آورد. در این راستا پایبندی دولت به سند چشم انداز، می‌تواند باور شهروندان به درستی و تحقق پذیری هدف‌های سند چشم انداز را بیشتر کند و به رشد سرمایه اجتماعی در کشور بینجامد. بدین سان با تقویت سرمایه اجتماعی، که در دل شبکه‌های روابط شکل می‌گیرد و ماهیتی زاینده و مولد دارد، دستیابی به هدف‌های توسعه آسان می‌شود. در برابر، چنانچه دستگاه اجرایی و نهادهای دولتی به اجرای راهکارهای سند چشم انداز پایبند نباشند، این سند رفته رفته اعتبار خود را از دست خواهد داد و به فراموشی سپرده خواهد شد.

در دو سال گذشته، بخشی از سیاست‌های اعمال شده، اقتصاد کشور را در عمل به سمت و سوی خلاف روند پیش بینی شده در سند چشم انداز کشانده است. برای ایجاد و حفظ باور مثبت در میان شهروندان، اعلام اولویت‌های زمان بندی شده در جهت اصلاحات ساختاری و پایبندی به اجرای راهکارهای پیشنهاد شده در سند چشم انداز ضرورت دارد. با توجه به تغییر دولتها در دو دهه آینده، حفظ انضباط لازم در اجرای برنامه‌ها و جلوگیری از اعمال سلیقه‌ها و گرایش‌های گوناگون ضروری است. پایبندی دولت به هدف‌های بلندمدت و ایجاد فضای اعتبار و اطمینان در پهنه سیاست‌گذاری، از مهمترین مباحثی است که در تحقق یافتن سند چشم انداز اهمیت حیاتی دارد. با عزم ملّی برای رسیدن به آینده‌ای روشن و افتخار آمیز، می‌توان به افزایش سرمایه اجتماعی و توان بی‌چون و چرای آن برای از میان برداشتن چالش‌ها امیدوار بود.

## ۱. پیشگفتار

ایران همواره جایگاهی برجسته و استراتژیک در خاورمیانه داشته است. از اواخر سده نوزدهم، با پیدا شدن ذخایر نفت، توجه کشورهای پیش از پیش به ایران جلب شد و از نیمه دوم سده بیستم ایران به گونه یکی از بزرگترین عرضه کنندگان انرژی در جهان درآمد. ولی تجربه نشان داده است که خواست تاریخی ایرانیان یعنی دستیابی به جایگاهی در خور در پهنه بین‌المللی و زیستن در کشوری پیشرفته، تنها با فروش نفت برآورده نمی‌شود. انقلاب اسلامی نشانه روشنی از عزم ملت ایران برای چیرگی بر عقب‌ماندگی بوده است. پس از پیروزی انقلاب، جنگ تحمیلی هشت ساله مانع مهمی بر سر راه توسعه اقتصادی ایران پدید آورد. با پایان گرفتن جنگ، اجرای سه برنامه توسعه زمینه‌های بازسازی اقتصادی کشور را فراهم کرد ولی هنوز راهی دراز برای رسیدن ایران به جایگاه شایسته باید پیموده شود. تدوین سند چشم‌انداز، بیانگر عزم ملی برای شتاب بخشیدن به آهنگ حرکت به سوی این هدف تاریخی است.

مزیت‌های برجسته ایران از تنوع ساختار صنعتی، منابع سرشار نفت و گاز، مس و... وجود نیروی کار جوان و تحصیل کرده گرفته تا موقع جغرافیایی ممتاز در آسیا، زمینه مناسبی برای رسیدن به جایگاه کشوری پیشرفته و توانمند فراهم آورده است. کارویژه برجسته‌ای که سند چشم‌انداز فراروی دولت و شهروندان می‌گذارد، بهره‌گیری بهینه از این امکانات برای شتاب بخشیدن به آهنگ رشد و توسعه است.

در سند چشم‌انداز آمده است که ایران در افق سال ۱۴۰۴ کشوری پیشرفته و نیرومند در منطقه خواهد بود و در دو دهه آینده رونق اقتصادی کشور به بهبود فاه همه ایرانیان یاری می‌رساند. سند چشم‌انداز، روندهای ممکن و دلخواه در آینده را پیش‌بینی کرده و بهره‌برداری درست و بهینه از منابع و فرصت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد.

تدوین سند چشم‌انداز تلاشی است تا برای ایرانیان تصویری روشن از آینده ترسیم شود و شهروندان بپذیرند که می‌توان هدفهای چشم‌انداز را تحقق بخشید. اگر این باور پدید آید، در افزایش پویایی ایرانیان اثری چشمگیر خواهد داشت. بدین سان بخش خصوصی می‌تواند بر پایه

راهکارها و هدفهای سند چشم‌انداز، روند سرمایه‌گذاری خود را با در نظر گرفتن برنامه بلندمدت کشور طراحی کند و کارایی و بهره‌وری عوامل تولید را افزایش دهد. ولی چنانچه دستگاه‌های اجرایی و نهادهای دولتی به اجرای کامل و درست راهکارهای سند چشم‌انداز پایبند نباشند، این سند رفته‌رفته به فراموشی سپرده خواهد شد. در این نوشتار پس از نگاهی کوتاه به ضرورت تدوین سند چشم‌انداز و اهمیت حفظ یکپارچگی هدفها و راهکارهای آن، روند اجرای برنامه چشم‌انداز در دو سال گذشته بررسی می‌شود. سپس به نقش سرمایه اجتماعی در تحقق بخشیدن به هدفهای چشم‌انداز پرداخته می‌شود. سرانجام پس از جمع‌بندی مطالب، پیشنهادهایی برای از میان برداشتن مشکلات موجود بر سر راه تحقق هدفهای چشم‌انداز مطرح می‌شود.

## ۲. اهمیت پایبندی به هدفهای سند چشم‌انداز در راستای تقویت سرمایه اجتماعی

برای کشتیبانی که نمی‌داند به کجا می‌رود، هیچ بادی مساعد نیست و برای کشوری که مسیر و چشم‌اندازی برای آینده خود ترسیم نکرده است، هیچ وضعی مناسب

○ انتظار می‌رود که سند چشم‌انداز که بر بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌های انسانی و مادی برای شتاب بخشیدن به آهنگ رشد و توسعه تأکید دارد، با ایجاد باور به آینده‌ای روشن، پویایی تازه‌ای برای مشارکت شهروندان در فرایند دگرگونیهای اقتصادی - اجتماعی بایسته فراهم آورد. در این راستا پایبندی دولت به سند چشم‌انداز، می‌تواند باور شهروندان به درستی و تحقق‌پذیری هدفهای سند چشم‌انداز را بیشتر کند و به رشد سرمایه اجتماعی در کشور بینجامد.

باشد. از این رو چشم‌انداز سرشتی چند بُعدی دارد و شرایط تحقق یافتن آن هم چند بُعدی است.

شرط موفقیت در فضای جهانی مبتنی بر تجارت و آکنده از رقابت، بهره‌گیری از فرصت‌ها و رویارویی با چالش‌ها است. تنها با رویکردی راهبردی، با شناخت شرایط تازه بین‌المللی و دگرگونی‌ها در روابط سیاسی-اقتصادی جهانی، منطقه‌ای و ملی می‌توان راه دشوار رسیدن به توسعه همه‌جانبه، پایدار و باثبات را هموار ساخت.

برنامه چشم‌انداز، طراحی حرکتی آینده‌ساز است که بر شناخت وضع موجود و تحلیل روابط متقابل میان محیط‌های ملی و بین‌المللی استوار است. هدف از تهیه سند چشم‌انداز، شناخت فرصت‌ها و چالش‌ها و نشان دادن راهکارهای مناسب برای بهره‌گیری از امکانات و از میان برداشتن موانع است. برنامه چشم‌انداز روندهای ممکن و دلخواه را پیش‌بینی و ترسیم می‌کند، به موضع‌گیری و تعیین شیوه‌های برخورد با رویدادها کمک می‌کند و بهره‌برداری درست و بهینه از منابع و فرصت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد.

برای موفقیت برنامه‌های بلندمدت، بر تأمین پیش‌شرط‌هایی تأکید می‌شود که مهمترین آنها وجود عزم ملی است. (گارت ۱۹۹۱) پایبندی دولت و نهادهای حاکمیتی به راهکارها و هدفهای اعلام شده سبب تقویت باور شهروندان به آینده‌ای روشن می‌شود و با افزودن به سرمایه اجتماعی، فرایند دستیابی به هدف‌ها را آسان می‌کند.

سرمایه اجتماعی از مفاهیم تازه‌ای است که در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی به گونه گسترده به کار گرفته شده است. سرمایه اجتماعی در برگیرنده اطلاعات، اندیشه‌ها، رهنمودها، فرصت‌های کسب و کار، پشتیبانی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری است. کسی به تنهایی مالک این سرمایه نیست. سرمایه اجتماعی در دل شبکه‌های روابط قرار گرفته و سرشتی زاینده و مولد دارد و دستیابی به هدف‌ها را آسان می‌کند. هرچه افراد بیشتری با هم کار کنند، سرمایه اجتماعی بیشتری تولید می‌شود. (پوتنام ۱۹۹۳) در سایه بی‌باوری و نبود اطمینان، سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد. بر سر هم، سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اعتماد و پیوند است که با تقویت آن فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آسان می‌شود.

○ پیش‌بینی‌های خوب آنهایی است که به عمل برای دور شدن از خطر‌ها و رسیدن به هدف دلخواه می‌انجامد. سند چشم‌انداز آینده، ابزاری است برای تنظیم امور و تعیین اولویت‌ها در دستور کارهای آینده. به سخن دیگر، چشم‌انداز راهی است برای کنترل آینده. بنابراین نخستین هدف تفکر بر پایه چشم‌انداز، روشن ساختن گزینش‌های کنونی در پرتو آینده‌ای ممکن است.

و هیچ حالتی مناسب به نظر نخواهد رسید. (بایزید مردوخی ۱۳۷۵)

پیش‌بینی‌های خوب آنهایی است که به عمل برای دور شدن از خطر‌ها و رسیدن به هدف دلخواه می‌انجامد. سند چشم‌انداز آینده، ابزاری است برای تنظیم امور و تعیین اولویت‌ها در دستور کارهای آینده. به سخن دیگر، چشم‌انداز راهی است برای کنترل آینده. بنابراین نخستین هدف تفکر بر پایه چشم‌انداز، روشن ساختن گزینش‌های کنونی در پرتو آینده‌ای ممکن است (میشل گوده ۱۹۹۴).

اندیشیدن در چارچوب چشم‌انداز باید از کلیت، سازگاری و هماهنگی برخوردار باشد. در جامعه انسانی مسئله‌ای نیست که جدا از دیگر مسائل بتوان به آن پرداخت. در اقتصاد جهانی شده، در فرایند اتکای متقابل و حتی در هم آمیختگی مسائل، بی‌دورنما، نمی‌توان به راهکارهای مناسب برای حل مشکلات جامعه دست یافت. پیچیدگی عناصر و روابطی که باید در نظر گرفته شود، تحلیل اوضاع در آینده را دشوار می‌سازد. (میشل گوده ۱۹۹۴)

از دیدگاه الگوی توسعه پایدار، پیوستگی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی، در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی رو به گسترش است. با چنین واقعیت‌هایی، جهت‌گیری‌های توسعه‌ای ملی باید کل نگر، همه‌سونگر، برون‌نگر (منطقه‌ای و جهانی) و آینده‌نگر

(کوپر و دیگران ۱۹۹۹)

**۳. هدفهای سند چشم‌انداز**

سند چشم‌انداز در سال ۱۳۸۲ تصویب و به قوای سه‌گانه ابلاغ شد و از آغاز سال ۱۳۸۴ شالوده‌قانون‌گذاری در کشور و تصمیمات کلان نظام و سیاستهای دولت گردید.

برنامه چهارم توسعه نخستین برنامه‌ای است که بر پایه سند چشم‌انداز تهیه شده است و باید در قالب بودجه‌های سالانه در راه رسیدن به هدفهای سند چشم‌انداز پیش رود. دستیابی به رشد ۸ درصدی اقتصادی و رشد کمابیش ۱۲ درصدی بخش صنعت، از هدفهای کمی پیش‌بینی شده در برنامه پنج‌ساله چهارم است. بر پایه برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه، افزون بر پیش‌بینی هدفهای کمی و جهش صادراتی، بر کاهش اتکای بودجه سالانه کشور به درآمدهای نفتی تأکید شده است. ولی در دو سال گذشته سیاستهای دولت با هدفهای سند چشم‌انداز همخوان نبوده است. برخی از این موارد، در این نوشتار به گونه کوتاه بررسی می‌شود.

**۳-۱. کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی**

وابستگی به درآمد نفت یکی از ویژگیهای برجسته اقتصاد ایران است که در سه دهه گذشته افزایش یافته است. درآمد نفت منبع اصلی بازرگانی خارجی و تأمین

در ایران سند چشم‌انداز مورد تأیید بالاترین مراجع کشور قرار گرفته است و بر پایه قانون همه نهادها و سازمانهای دولتی نسبت به آن متعهدند. دستگاه اجرایی و نهادهای گوناگون حاکمیت موظف به اجرای یکپارچه راهکارهای پیشنهاد شده در سند چشم‌اندازند. هدفهای سند چشم‌انداز به گونه‌ای تنظیم شده که همگی برای رسیدن به چشم‌انداز باید برقرار باشند و نبود هر یک از آنها می‌تواند به دیگر هدفها آسیب رساند. چنانچه بخشی از هدفهای سند چشم‌انداز و راهکارهای مربوط به آن از سوی یک نهاد مورد تأکید قرار گیرد و بخش دیگری به حاشیه رانده شود، و در برابر، در سازمانی ویژه، اولویت گروه دیگری از راهکارها نادیده گرفته شود، در عمل رسیدن به هدفها ناممکن می‌شود، اعتبار سند مخدوش می‌گردد، امید شهروندان به آینده‌ای روشن از میان می‌رود و چشم‌انداز امیدبخش رفته‌رفته به دست فراموشی سپرده می‌شود.

هدف از تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله، دور شدن از برنامه‌های مقطعی و سلیقه‌ای بوده است تا هدفهای بلندمدت کشور با توجه به شرایط کنونی کشور و جایگاهش در جهان و منطقه، تدوین، پیش‌بینی و روشن شود. ولی یکی از بزرگترین مشکلات کشور در سالهای پس از پیروزی انقلاب، پایبند نبودن دولت و دیگر نهادهای حاکمیتی به برنامه‌های توسعه بوده است. برخی از مسئولان و دست‌اندرکاران تدوین سند چشم‌انداز گفته‌اند که هدفها و خواسته‌ها با ساختارهای کنونی به دست نخواهد آمد. (جهانگیری ۱۳۸۵)

نباید نادیده گذاشت که دولتها، به علت دست به گریبان بودن با مشکلات گوناگون، به راهکارهای کوتاه‌مدت گرایش دارند و از همین رو از مسیر حرکت به سوی هدفهای سند چشم‌انداز دور می‌شوند، در حالی که باید همه امکانات بسیج شود و دولت و همه نهادهای حاکمیت مشوق و تسریع‌کننده دستیابی به هدفها باشند. بدین منظور باید راهکارهایی برای جلوگیری از ادامه یافتن روند نادرست گذشته و سیاست‌های نافی هدفهای چشم‌انداز و نیز افزایش باور به تحولات مطلوب در آینده پدید آید و تصویری هدفمند و پویا از دهه‌های آینده برای همگان ترسیم و ترویج شود.

○ از دیدگاه الگوی توسعه پایدار،

پیوستگی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی، در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی رو به گسترش است. با چنین واقعیهایی، جهت‌گیری‌های توسعه‌ای ملی باید کل‌نگر، همه‌سونگر، برون‌نگر (منطقه‌ای و جهانی) و آینده‌نگر باشد. از این رو چشم‌انداز سرشتی چند بُعدی دارد و شرایط تحقق یافتن آن هم چند بُعدی است.

## جدول (۱) صادرات و واردات کشور در ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ (میلیون دلار)

ردیف	۱۳۸۳	۹ ماهه اول ۸۴	بر آورد سال ۸۴
۱	۴۴۴۰۳	۴۴۶۰۸	۶۰۷۳۰
۱-۱	(۳۶۸۲۷)	(۳۷۱۳۶)	(۵۰۷۵۰)
۲-۱	(۷۵۷۶)	(۷۴۷۲)	(۹۹۸۰)
۲	۳۶۶۳۹	۲۸۴۲۲	۳۸۰۰۰
۳	۷۷۶۴	۱۶۱۸۶	۲۲۷۳۰
۴	-۴۸۱۲	-۴۷۱۴	-۶۰۰۰
۵	۱۰۳۷	۶۶۶	-۱۰۰۰
۶	۳۹۸۹	۱۲۱۳۸	۱۵۷۳۰

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، شماره ۴۲، ص ۱۳

نفتی در اقتصاد ایران در کوتاه مدت بیشتر به افزایش ورود کالاهای مصرفی، در سنجش با کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای می‌انجامد. (در گاهی ۱۳۸۵)

کننده ۸۰ تا ۹۰ درصد ارز مورد نیاز کشور است. اقتصاد کشور همواره با خطر نوسانهای قیمت جهانی نفت و تغییر سیاست کشورهای وارد کننده نفت روبه‌رو بوده است.

با آنکه ذخایر نفتی ایران بسیار غنی است ولی کمابیش در ۳۰ سال آینده به پایان خواهد رسید. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۸۳) از همین رو ضرورت اصلاحات اقتصادی و ایجاد تنوع در بخش‌های گوناگون تولیدی و خدماتی برای دور شدن از وابستگی به درآمد نفت در سند چشم‌انداز مورد تأکید قرار گرفته است. گذشته از آن، صادرات نفت به گونه مستقیم فرصت‌های شغلی چندانی پدید نمی‌آورد در حالی که یکی از مشکلات نگران کننده در کشور، بیکاری فزاینده نیروی کار تحصیل کرده است. در سند چشم‌انداز بر ضرورت افزایش توان رقابتی اقتصاد کشور و کاهش اتکال بر درآمد فروش نفت خام تأکید شده است. ولی با افزایش درآمد نفتی، سیاستمداران گرفتار نگرشهای کوتاه مدت می‌شوند و گرایش دولت به بهره‌گیری بیشتر از درآمدهای نفتی نیز افزایش می‌یابد که همین، به سیاست‌های نامناسب و ناکارآمدی انجامد.

افزایش بهای نفت در این سالها، گرچه فرصتهایی کم مانند پیش روی اقتصاد ایران نهاده است، نتایج بر آورد يك الكوی اقتصادسنجی کلان نشان می‌دهد که افزایش يك درصدی در آمد ارزی نفت در کوتاه مدت به افزایش واردات مصرفی (۴۱ درصد)، واسطه‌ای (۲۵ درصد) و سرمایه‌ای (۲۴ درصد) می‌انجامد. به سخن دیگر، رونق

○ سرمایه اجتماعی در برگیرنده اطلاعات، اندیشه‌ها، رهنمودها، فرصت‌های کسب و کار، پشتیبانی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری است. کسی به تنهایی مالک این سرمایه نیست. سرمایه اجتماعی در دل شبکه‌های روابط قرار گرفته و سرشتی زاینده و مولد دارد و دستیابی به هدف‌ها را آسان می‌کند. هرچه افراد بیشتری با هم کار کنند، سرمایه اجتماعی بیشتری تولید می‌شود. در سایه بی‌باوری و نبود اطمینان، سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد. بر سر هم، سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اعتماد و پیوند است که با تقویت آن فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آسان می‌شود.

○ هدفهای سند چشم‌انداز به گونه‌ای تنظیم شده که همگی برای رسیدن به چشم‌انداز باید برقرار باشند و نبود هر یک از آنها می‌تواند به دیگر هدفها آسیب رساند. چنانچه بخشی از هدفهای سند چشم‌انداز و راهکارهای مربوط به آن از سوی یک نهاد مورد تأکید قرار گیرد و بخش دیگری به حاشیه رانده شود، و در برابر، در سازمانی ویژه، اولویت گروه دیگری از راهکارها نادیده گرفته شود، در عمل رسیدن به هدفها ناممکن می‌شود، اعتبار سند مخدوش می‌گردد، امید شهر و ندان به آینده‌ای روشن از میان می‌رود و چشم‌انداز امیدبخش رفته رفته به دست فراموشی سپرده می‌شود.

خود در گرو تعامل سازنده با اقتصاد جهانی است. در این میان افزایش شتابان واردات بسیار نگران‌کننده است و برآورده شده است که در سال ۱۳۸۵ واردات کشور از مرز ۴۰ میلیارد دلار بگذرد. زیرا به علت افزایش بهای نفت و بالا رفتن درآمدهای ارزی کشور، در چند سال اخیر ورود کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی افزایش یافته است. با وجود افزایش صدور کالاهای غیرنفتی، هنوز درآمدهای حاصل از فروش نفت ۷۵ تا ۸۰ درصد نیازهای ارزی واردات را تأمین می‌کند. (مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۵)

در سند چشم‌انداز بر حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی و مشارکت فعال در تقسیم کار بین‌المللی تأکید شده است، در حالی که ایران هنوز به عضویت سازمان جهانی بازرگانی پذیرفته نشده و در سازمانهای منطقه‌ای نیز حضوری چشمگیر ندارد. همکاری با کشورهای عضو «اگو» بسیار محدود باقی مانده است و برای نمونه در سال ۱۳۸۰ نسبت صادرات به

نتیجه آنکه با وجود دو برابر شدن درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی بالا و پیوسته به دست نیامده و اقتصاد ایران پس از تجربه کردن رشدهای ۶/۷ و ۸/۶ درصدی در ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ با میانگین رشد ۵ درصد در دو سال اخیر رو به رو شده است. ناکارآمدی فزاینده ناشی از مالکیت و تصدّی‌های دولتی سرانجام آثار کوتاه‌مدت افزایش درآمدهای نفتی را از میان می‌برد و رشد اقتصادی در سطح پایین باقی می‌ماند.

با اینکه قرار است با ذخیره کردن مازاد درآمدهای ارزی در دوره‌های رونق بازار نفت، بودجه دولت در دوره‌های رکود بازار وضعی باثبات داشته باشد، مشکلات ساختاری بودجه دولت و عملکرد حساب ذخیره ارزی نشان می‌دهد که کسری بودجه همچنان تداوم خواهد داشت و حساب ذخیره ارزی جای اصلاحات بودجه‌ای دولت را نخواهد گرفت، به گونه‌ای که با کاهش بهای نفت و به‌علت لزوم حفظ حداقل هزینه‌ها، دولت بار دیگر ناگزیر از تأمین منابع مالی از راه وام‌گیری از بانک مرکزی یا بانکهای بازرگانی خواهد شد. طبیعی است که چنین وضعی، بی‌ثباتی اقتصاد کلان را به همراه دارد و سیاستهای حمایتی دولت، بویژه از بنگاه‌های دولتی، افزایش می‌یابد.

### ۱-۳-۱. سهم نفت در بازرگانی خارجی

در سند چشم‌انداز بر ضرورت افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی تأکید شده است. بر این پایه نیز باید در طول دو دهه از اتکا به درآمدهای نفتی کاسته شود و سهم صادرات غیرنفتی در بازرگانی خارجی افزایش یابد. جدول (۱) وضع بازرگانی خارجی ایران در ۸۴-۱۳۸۳ را نشان می‌دهد.

چنانکه در جدول (۱) دیده می‌شود، افزایش درآمدهای ناشی از صدور نفت و کالاهای غیرنفتی در نخستین سال اجرای برنامه چهارم توسعه چشمگیر بوده است. افزایش صدور کالاهای صنعتی چون فولاد، مس، محصولات پتروشیمی، خودرو و قطعات یدکی نقش مهمی در افزایش صادرات غیرنفتی داشته که موهون سرمایه‌گذاری‌های کلان در دوران برنامه سوم است. برای سال ۱۳۸۵ پیش‌بینی می‌شود که صادرات نفت و کالاهای غیرنفتی به ترتیب به ۵۰ و ۱۲ میلیارد دلار برسد. هر چند صنایع پتروشیمی، فولاد و خودروسازی وضع مناسبی برای جهش صادراتی دارند، ولی افزایش صادرات غیرنفتی

۸۶/۱ درصد کل صادرات کشور را تشکیل می‌داده است. صادرات محصولات کشاورزی و کالاهای صنعتی در ۱۳۸۳ به ترتیب ۴/۶ و ۸/۶ درصد کل صادرات کشور بوده است. نرخ بالای تورم، در حالی که نرخ ارز کمابیش ثابت است، محدودیت جدی برای صادرات غیر نفتی ایجاد کرده است. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۸۴)

صدور کالاهای شیمیایی و پتروشیمی در سالهای اخیر افزایش چشمگیر داشته و اکنون بالاترین سهم را در صادرات غیر نفتی ایران به خود اختصاص داده است. با توجه به ذخایر سرشار نفت و گاز در ایران، صنایع نفت و پتروشیمی از مزیت نسبی طبیعی برخوردارند و از همین رو بسیاری از شرکتهای خارجی به سرمایه‌گذاری در این صنایع گرایش دارند ولی در بسیاری از موارد، مشکلات سیاسی مانع از سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌شود. صنایع ایران برای تولید بر پایه استانداردهای بین‌المللی و حضور در بازارهای جهانی، به تکنولوژی نو نیازمند است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها از جهت تأمین مالی فرایند تولید، بلکه به علت انتقال تکنولوژی و مدیریت نو و آسان‌سازی صدور کالاهای تولیدی ایران اهمیت بسیار دارد.

در ارتباط با تحول ساختاری در بخش صنعت و ایجاد تنوع در صادرات صنعتی، هنوز تلاشی چشمگیر در راستای تعیین مزیت‌های نسبی ایستا و پویای بخش صنعت نشده است. روشن است که دولت نمی‌تواند به همه صنایع کشور یاری رساند تا ناتوانیها و کاستی‌های خود را از میان بردارند و در بازارهای بین‌المللی به رقابت پردازند. از همین رو تعیین صنایع پیشرو و برنامه‌ریزی برای بالا بردن توان رقابتی این صنایع ضرورت دارد. ولی از آنجا که بیشتر صنایع کشور دولتی یا زیر پوشش حمایت‌های دولتی است، از راههای گوناگون اعمال نفوذ می‌شود تا برخورداری از این حمایتها همیشگی باشد. تداوم تعرفه‌های بالا و موانع غیر تعرفه‌ای برای ورود برخی از کالاهای صنعتی، پرداخت مبالغ هنگفت به صورت یارانه‌های عمومی انرژی برای پایین نگهداشتن هزینه‌های تولید صنعتی، پرداخت وامهای سخاوتمندانه و ارزان به صنایع کوچک و... نشانگر تداوم سیاست‌های گذشته و نبود استراتژی توسعه صنعتی در کشور است.

○ در سند چشم‌انداز بر ضرورت افزایش توان رقابتی اقتصاد کشور و کاهش اتکال بر درآمد فروش نفت خام تأکید شده است. ولی با افزایش درآمد نفتی، سیاستمداران گرفتار نگرشهای کوتاه مدت می‌شوند و گرایش دولت به بهره‌گیری بیشتر از درآمدهای نفتی نیز افزایش می‌یابد که همین، به سیاستهای نامناسب و ناکارامی انجامد.

پاکستان و ترکیه به کل صادرات ایران به ترتیب ۲ و ۱/۳۷ درصد و به همین سان نسبت واردات از پاکستان و ترکیه به کل واردات ایران به ترتیب ۰/۳۴ و ۱/۶۴ درصد بوده است.

در دو دهه گذشته سهم ایران در بازرگانی جهانی روند کاهنده داشته است. همان‌گونه که در جدول (۲) دیده می‌شود، سهم ایران و ونزوئلا، بعنوان کشورهای صادرکننده نفت در بازرگانی جهانی روندی کاهنده داشته است ولی کشورهایی چون مالزی و کره که به صدور کالاهای صنعتی پرداخته‌اند، از رشدی فزاینده بهره‌مند شده‌اند.

**جدول (۲) سهم کشورهای منتخب در صادرات جهان (درصد)**

	۱۹۸۵	۱۹۷۵	۱۹۶۵	۲۰۰۰
ایران	۰/۶۳	۲/۳	۰/۶۹	۰/۴۵
کره	۱/۵۴	۰/۵۷	۰/۰۹	۲/۷
مالزی	۰/۷۹	۰/۴۳	۰/۸۸	۱/۵
ونزوئلا	۰/۷۴	۱	۱/۳	۰/۵

Source: WTO, International Trade Statistics, 2001.

### ۲-۳. افزایش صادرات غیر نفتی

بر پایه اسناد پشتیبان سند چشم‌انداز توسعه بیست ساله، صادرات صنعتی کشور در ده سال آینده باید به ۲۳ میلیارد دلار افزایش یابد. در ۱۳۸۳ ارزش صادرات نفت و گاز نزدیک به ۲۸/۸ میلیارد دلار بوده و

### ۳-۳. ایجاد فضای مناسب برای پویایی و بالندگی بخش خصوصی

در سند چشم انداز بر ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و احترام به حقوق مالکیت تأکید شده است. بی گمان بی حضور فعال بخش خصوصی در پهنه های گوناگون اقتصادی نمی توان به هدفهای چشم انداز دست یافت.

در ایران، دولت بعنوان دریافت کننده درآمدهای نفتی، نقش برتر در اقتصاد دارد. بیش از ۵۰۰ شرکت دولتی و ۱۰۰۰ شرکت شبه دولتی در عرصه های گوناگون فعالند. بنگاههای خصوصی نیز بیشتر زیر چتر حمایتهای مالی دولت رشد می کنند. در سایه افزایش در آمد نفت بسیاری از کار آفرینان به رانت جویی پرداخته اند و از شمار کار آفرینانی که بنگاههای با بهره‌وری بالا را هدایت می کنند کاسته شده است. توسعه بیشتر شرکتهای خصوصی ایران از پویایی مشارکت در فضای رقابتی مایه نگرفته، بلکه کالاها و خدمات تولید شده بیشتر به بازار حمایت شده داخلی سر از سر شده است. سرمایه گذاری خصوصی نزدیک به ۶۰ درصد کل سرمایه گذاری در کشور است (بانک مرکزی ۱۳۸۴) که در سنجش با ۷۵ تا ۸۰ درصد آمریکای لاتین و آسیای خاوری نرخ پایینی است. (UNDP2005) گذشته از آن، بخش بزرگی از سرمایه های خصوصی در زمین و ساختمان متمرکز است و گرایش به تولید کالاهایی ندارد که قابلیت صدور داشته باشد.

افزایش ریسک سیاسی و برخی سیاستهای اقتصادی جلوه و در سرمایه خارجی به کشور را گرفته و فضای سرمایه گذاری را برای بخش خصوصی تنگ تر کرده است. این وضع در کوتاه مدت و میان مدت بیشتر بر تصمیمات سرمایه گذاری اثر خواهد گذاشت و در دراز مدت آثار آن بر رشد اقتصادی نمایان خواهد شد. در ۹ ماه نخست ۱۳۸۴ رشد سرمایه گذاری در کشور ۲/۵ درصد و در ۹ ماه نخست ۱۳۸۳ نزدیک به ۱۱ درصد بوده است. در همان حال سرمایه گذاری در زمینه ماشین آلات در سه ماه سوم ۱۳۸۴، در سنجش با سه ماه دوم ۱۳۸۴، ۵/۲ درصد کاهش داشته است. (بانک مرکزی ۱۳۸۴)

افزایش ورود کالاهای قاچاق، از بزرگترین موانع رشد صنعت در ایران بوده است. سالانه کمابیش ۵ تا ۶ میلیارد

دلار کالا به صورت قاچاق وارد کشور می شود و بخش زیرزمینی گسترده ای در این زمینه فعال است. (موزن جامی ۱۳۸۴) ورود انبوهی از کالاهای مصرفی و واسطه ای بی کیفیت و ارزان، دور از هر گونه نظارت، ضربه ای سنگین به توان تولیدی بخش خصوصی زده است.

با افزایش سریع درآمدهای نفتی، میزان واردات رسمی کشور نیز به سرعت بالا رفته است. (جدول ۳) گل واردات در ۱۳۷۹، ۱۸/۱ میلیارد دلار بوده است که در ۱۳۸۴ به ۳۹ میلیارد دلار رسیده است. (بانک مرکزی ۱۳۸۵) حجم کلان کالاهای وارداتی، تولید و اشتغال در کشور را به خطر انداخته است. تولید کنندگان داخلی که با هزینه های فزاینده و نبود اطمینان در فضای اقتصادی-سیاسی روبه رو بند، توان رقابت با شرکتهای نیر و مندر خارجی را ندارند.

#### (جدول ۳) واردات در ایران (۸۳-۱۳۷۸)

سال	نرخ رشد
۱۳۷۸	۱۷/۰۶
۱۳۷۹	-۶
۱۳۸۰	۱۳/۲
۱۳۸۱	۲۲/۹
۱۳۸۲	۳۷/۱
۱۳۸۳	۱۵
۱۳۸۴	۱

منبع: بانک مرکزی ایران ۱۳۸۵

○ افزایش ورود کالاهای قاچاق، از بزرگترین موانع رشد صنعت در ایران بوده است. سالانه کمابیش ۵ تا ۶ میلیارد دلار کالا به صورت قاچاق وارد کشور می شود و بخش زیرزمینی گسترده ای در این زمینه فعال است. ورود انبوهی از کالاهای مصرفی و واسطه ای بی کیفیت و ارزان، دور از هر گونه نظارت، ضربه ای سنگین به توان تولیدی بخش خصوصی زده است.



انجام می‌گیرد.

اقتصاد ایران، به علت فضای نامناسب برای کسب و کار و ادامه یافتن تنشهای سیاسی توان بهره‌گیری از منافع جهانی شدن - مانند افزایش صدور کالاهای خدمات و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و... را نیافته است. در چنین شرایطی از میان رفتن فرصتهای شغلی به علت ورود انبوه کالاهای خارجی، بی‌موفقیتهای جذب مقدار چشمگیری از سرمایه‌های خارجی در فعالیتهای کاربر، به افزایش بیکاری در کشور انجامیده است. بر سرهم، ایران از پیامدهای منفی جهانی سازی، ورشکستگی بسیاری از تولیدکنندگان و بیکاری انبوهی از کارگران بویژه به علت ورود کالاهای ارزان چینی، آسیب می‌بیند، در حالی که نمی‌تواند از منافع ناشی از افزایش صادرات و جذب سرمایه‌های خارجی به گونه‌ای بهره‌مند شود تا این هزینه‌های سنگین را جبران کند.

### ۳-۵. تنش‌زدایی در روابط بین‌المللی

در چارچوب اقتصاد جهانی، بی‌تعامل سازنده با نظام جهانی کنونی نمی‌توان امنیت ملی و رشد درازمدت

○ در سند چشم‌انداز بر حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی و مشارکت فعال در تقسیم کار بین‌المللی تأکید شده است، در حالی که ایران هنوز به عضویت سازمان جهانی بازرگانی پذیرفته نشده و در سازمانهای منطقه‌ای نیز حضوری چشمگیر ندارد. همکاری با کشورهای عضو «اگو» بسیار محدود باقی مانده است و برای نمونه در سال ۱۳۸۰ نسبت صادرات به پاکستان و ترکیه به کل صادرات ایران به ترتیب ۲ و ۱/۳۷ درصد و به همین سان نسبت واردات از پاکستان و ترکیه به کل واردات ایران به ترتیب ۰/۳۴ و ۱/۶۴ درصد بوده است.

ورود کالاهای ارزان خارجی به کشور خطر ورشکستگی صنایع ریسندگی و بافندگی، پوشاک، چرم، شکر و... را افزایش داده است. امروزه بسیاری از صنایع کشور، به علت کمبود تقاضا، کمتر از ظرفیت اسمی خود تولید می‌کنند.

گذشته از رقیبان خارجی، بخش خصوصی ایران با رقابت نابرابر نهادهای دولتی نیز دست به گریبان است. واگذاری امتیاز اجرای طرحهای عمرانی به نیروهای بسیج، در بودجه ۱۳۸۵، به معنی رقابت دولت با بخش خصوصی است که با سند چشم‌انداز همخوانی ندارد.

### ۳-۴. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ابزار است برای شتاب دادن به آهنگ رشد اقتصادی. برای دستیابی به هدفهای چشم‌انداز، در ده سال منتهی به ۱۳۹۴ پیش‌بینی شده است که سرمایه‌گذاری خارجی به ۶/۳ میلیارد دلار برسد.

صادرات ایران از ۱۳۸۱، در پرتو جهش بهای نفت، رشد چشمگیر داشته است ولی چشم‌انداز آینده بانگرانی‌هایی همراه است. (بانک جهانی ۲۰۰۶) نوسانهای بهای محدود بودن توان تولید نفت از یک سو، و تنش در روابط بین‌المللی بر سر انرژی هسته‌ای و احتمال به‌دراز کشیدن دوران انتظار بخش خصوصی داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری در کشور از سوی دیگر، بر چشم‌انداز اقتصاد اثر منفی دارد. بدین سان سودمندیهای جهانی شدن تا اندازه‌زیادی دور از دسترس ایران قرار گرفته است.

از اواخر دهه ۱۳۶۰، ایران برای جذب سرمایه‌های ایرانی در خارج و شرکت‌های خارجی و تشویق صادرات غیرنفتی، مناطق آزاد تجاری در بخشهای گوناگون کشور ایجاد کرد ولی این مناطق تاکنون در سایه بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی، موفقیتهای چندانی در جذب سرمایه‌های خارجی نداشته‌اند و خود به کانال‌هایی برای ورود غیرقانونی کالا به کشور تبدیل شده‌اند. شرکتهای خصوصی که در این مناطق برپا شده‌اند بیشتر در پی بهره‌گیری از تسهیلات وارداتی هستند و رغبت چندانی به صدور کالا و حضور در بازارهای رقابتی بین‌المللی ندارند. برای نمونه، منطقه آزاد کیش نمی‌تواند با منطقه آزاد جبل علی در امارات عربی متحده رقابت کند و حتی بخشی از واردات و صادرات ایران از منطقه آزاد جبل علی

○ در ایران، دولت بعنوان دریافت کننده درآمدهای نفتی، نقش برتر را در اقتصاد دارد. بیش از ۵۰۰ شرکت دولتی و ۱۰۰۰ شرکت شبه دولتی در عرصه‌های گوناگون فعالند. بنگاه‌های خصوصی نیز بیشتر زیر چتر حمایت‌های مالی دولت رشد می‌کنند. در سایه افزایش درآمد نفت بسیاری از کارآفرینان به رانت جوئی پرداخته‌اند و از شمار کارآفرینانی که بنگاه‌های با بهره‌وری بالا را هدایت می‌کنند کاسته شده است. توسعه بیشتر شرکت‌های خصوصی ایران از پویایی مشارکت در فضای رقابتی مایه نگرفته، بلکه کالاها و خدمات تولید شده بیشتر به بازار حمایت شده داخلی سرازیر شده است.

برای همه و مبارزه بایی عدالتی، تبعیض، ناامنی و تحقیر ملت‌ها تأکید می‌ورزد که در شرایط کنونی جهان دستیابی به آنها امکان‌پذیر نیست یا دست کم بسیار دشوار است و جز

اقتصادی را تضمین کرد. از همین رو سند چشم‌انداز بر تعامل فعال با جهان در همه عرصه‌ها و هم‌پیوندی و اثربخشی در سطح اقتصاد جهانی تأکید کرده است.

شیوه تعامل ایران با جامعه بین‌المللی می‌تواند بر چگونگی تحقق یافتن هدفها در سند چشم‌انداز و بهبود جایگاه ایران در جامعه بین‌المللی اثر گذارد. در بخش‌های گوناگون سند چشم‌انداز بر توسعه اقتصادی دانایی محور در تعامل با اقتصاد جهانی تأکید شده است. ایران هنگامی از حیاتی تثبیت شده برخوردار می‌گردد که بتواند بعنوان بازیگری فعال در چارچوب اصول و قواعد تعریف شده منطقه‌ای و نظام بین‌المللی عمل کند. بدین منظور گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و همزیستی فعال با جهان و بیرون رفتن از انزوا با سرلوحه قرار دادن اصول عزت، حکمت و مصلحت از مهمترین راهکارها برای دستیابی به هدفهای سند چشم‌انداز است. امروزه دولت از آن‌رو که نظام اقتصاد بازار، آزادسازی بازرگانی و سرمایه‌گذاری خارجی را چندان سودمند نمی‌داند، و اینکه جهانی شدن را بیشتر یک تهدید می‌داند تا یک فرصت، و چون نگران آسیب دیدن سنتها، ارزشهای دینی، سلسله‌مراتب اجتماعی و اقتدار حاکمیت در فضای جهانی شده است، گرایش چندانی به پذیرش قواعدبازی در نهادهای بین‌المللی نشان نمی‌دهد و بر اهدافی چون تعامل بین‌المللی بر پایه عدالت، صلح و ...

**جدول (۴) وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی ۱۳۷۹-۸۵**

سال	پیش‌بینی برنامه وابستگی بودجه به درآمدهای نفت (میلیارد دلار)	میزان واقعی وابستگی بودجه به درآمدهای نفت (میلیارد دلار)
۱۳۷۹	۱۰/۹	۱۱
۱۳۸۰	۱۰/۷	۱۳/۵
۱۳۸۱	۱۰/۷	۱۴/۹
۱۳۸۲	۱۱/۲	۱۷
۱۳۸۳	۱۲	۲۲/۷
۱۳۸۴	۱۳/۵	۳۶/۱
۱۳۸۵	۱۴	۳۹

منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

بیزنس مانیتور در گزارش سه ماهه دوم سال ۲۰۰۶ ریسک فضای تجاری کشورها را بررسی کرده و در مورد ایران تصریح کرده است که مسئله هسته‌ای در درازمدت از ریسکهای مهم فضای تجاری ایران خواهد بود که بر گرایش شرکتهای خارجی به سرمایه‌گذاری در ایران اثر منفی گذاشته است. برای نمونه، شاخص ریسک ایران و امارات عربی متحده به ترتیب ۴۶/۵ و ۸۰/۴ بوده است. امارات عربی متحده از نظر امنیت سرمایه‌گذاری در بالای جدول خاورمیانه و در رده سیزدهم جهان جای دارد و ایران در خاورمیانه در بدترین وضع، در مکان دوازدهم پیش از عراق قرار گرفته است. (Business Monitor 2006)

صرف تهدید و احتمال بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند ریسک فعالیتهای اقتصادی را در کشور افزایش دهد، فرار سرمایه‌های مادی و انسانی را بیشتر کند و دولت را ناگزیر سازد منابع انسانی و مالی بیشتری به بخش نظامی اختصاص دهد. همه اینها برای رشد درازمدت اقتصادی زیانبار است و دستیابی به هدفهای چشم‌انداز را دشوار خواهد کرد. برخی کسان می‌گویند که بی‌تحریم نفتی اقتصاد ایران به خطر نمی‌افتد، در حالی که تحریم بانکی و جلوگیری از سرمایه‌گذاری در بخشهای گوناگون صنعتی و حوزه‌های نفت و گاز و جلوگیری از ورود تکنولوژی پیشرفته به کشور، در میان مدت و بلندمدت ضربه‌ای سنگین به اقتصاد ایران خواهد زد.

برای مهار کردن موج بیکاری و رویارویی با فقر و عقب‌ماندگی صنعتی و تکنولوژیک، که از هدفهای اصلی

○ ورود کالاهای ارزان خارجی به کشور خطر ورشکستگی صنایع ریسندگی و بافندگی، پوشاک، چرم، شکر و... را افزایش داده است. امروزه بسیاری از صنایع کشور، به علت کمبود تقاضا، کمتر از ظرفیت اسمی خود تولید می‌کنند.

گذشته از رقیبان خارجی، بخش خصوصی ایران با رقابت نابرابر نهادهای دولتی نیز دست به گریبان است.

ناکامی و تنش در مناسبات بین‌المللی ثمر دیگری ندارد. این راهبرد هزینه‌های اقتصادی هنگفتی بر کشور تحمیل می‌کند.

با بالا گرفتن تنش در مناسبات بین‌المللی، بی‌ثباتی سیاسی و ریسک سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری پیش‌بینی شده در برنامه چهارم و سند چشم‌انداز امکان‌ناپذیر می‌گردد؛ در حالی که سند چشم‌انداز آشکارا بر ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بر پایه احترام به حقوق مالکیت مادی و غیر مادی، و حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی تأکید کرده است.

جدول (۵) رشد اقتصادی، بیکاری و تورم در ۱۳۸۴

هدف برنامه چهارم برای سال ۱۳۸۴	بر آورد عملکرد سال ۱۳۸۴	برنامه سوم ۱۳۷۹-۸۳	
۷/۱	۵/۵	۵/۴	رشد محصول ناخالص داخلی
۹/۵	۱۲	۱۲/۳	نرخ بیکاری در پایان دوره
۱۴/۶	۱۳/۴	۱۵/۳	تورم در پایان دوره

- مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، شماره ۴۲، سه ماهه سوم ۱۳۸۴.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد پنج ساله برنامه سوم، جلد اول، حوزه‌های فرابخشی.

- «عملکرد اقتصادی دولت نهم در شش ماهه اولیه»، شرق، ۲۸ اسفند ۱۳۸۴، ص ۴.

پیشینه کارفرمایی ندارد و در عمل با شکست روبه‌رو می‌شوند. گذشته از آن بخش چشمگیری از این تسهیلات به گونه‌ی صوری میان بانکها و شرکت‌هایی که گاه غیر مولد یا حتی زیان‌ده هستند دست به دست شده یا به کسانی داده شده که به نام تولید و اشتغال، منابع مالی را به سرمایه‌گذاری در زمین و مسکن اختصاص داده‌اند.

بخش بزرگی از هزینه‌های جاری بودجه در سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۵ (برسرم نزدیک به ۴۰ میلیارد دلار، یا کمابیش یک چهارم تولید ناخالص ملی) به یارانه کالاهای اساسی و سوخت اختصاص یافته است. گسترش زندگی یارانه‌ای، بهره‌گیری بهینه از امکانات اقتصادی کشور را دشوار و جامعه را از سیاستهای ضرور در زمینه رشد اقتصادی درون‌زا و ایجاد اشتغال محروم می‌سازد.

یکی از اصولی‌ترین جهت‌گیری‌ها در سند چشم‌انداز در مورد ایجاد انضباط مالی است. از سه ماهه دوم ۱۳۸۴ سهم دولت و هزینه‌های مصرفی سخت افزایش یافته است. در چند سال گذشته سرعت رشد هزینه‌های مصرفی دولت به شدت افزایش یافت و از سرعت رشد تولید ناخالص داخلی پیشی گرفت. در سه ماه نخست ۱۳۸۵ سرعت افزایش هزینه‌های مصرفی دولت دو برابر سرعت رشد هزینه‌های بخش خصوصی و نیز سرعت رشد اقتصادی کشور بوده که نشان‌دهنده سرعت بی‌سابقه سهم دولت و حجم تصدی آن در مدتی کوتاه است. (مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۵) با توقف افزایش بهای جهانی نفت و آغاز روند کاهشی آن، بودجه

سند چشم‌انداز است، ایران نیازمند روابطی عادی با جهان است. هرگونه بحران که ریسک و نااطمینانی را افزایش دهد، به فرار سرمایه و نیروهای متخصص از ایران دامن خواهد زد. با افزایش تنش در روابط بین‌المللی، فرار سرمایه، بیکاری، فقر و همه‌مفاسد ناشی از فقر در جامعه افزایش خواهد یافت. اثر منفی یادشده بر اقتصاد ایران به اندازه‌ای است که درآمدهای هنگفت نفتی در دو سال گذشته نیز نتوانسته است رونق و رشدی بالا به دنبال داشته باشد.

### ۳-۶. ایجاد نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای

تأثیر سیاستهای اقتصادی بر متغیرهای کلان‌آنی نیست و با وقفه‌های زمانی همراه است. برای اینکه نتایج سیاستهای گوناگون بر متغیرهای اقتصادی روشن شود، زمانی از یک تا سه سال لازم است. بنابراین پیامدهای سیاستهای نادرست و شتاب زده، همه به هنگام اجرا بروز نمی‌کند و در سالهای بعد باید منتظر آثار زیانبار آنها بود. جهش بهای نفت از آغاز سال ۱۳۸۴، پذیرش تعهد بیشتر از سوی دولت را تشویق کرد. در نیمه دوم ۱۳۸۴ دولایحه متمم از تصویب مجلس گذشت و بدین سان بودجه ۱۳۸۴ نسبت به بودجه سال پیش از آن ۳۴ درصد رشد داشت.

دولت بر آن بود که با اجرای سیاستهای پولی-مالی انبساطی، بی‌نیاز به راهکارهای اساسی در سند چشم‌انداز و برنامه چهارم توسعه مبنی بر حضور فعال در اقتصاد جهانی و جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی، کاهش تصدی‌گری دولت و زمینه‌سازی لازم برای پویایی بخش خصوصی، رشد اقتصادی را شتاب بخشد و بیکاری و فقر را به گونه‌ی چشمگیر کاهش دهد. بدین سان نه تنها در بودجه‌های سالانه برای کاهش وابستگی به نفت برنامه‌ای روشن به دست داده نشد، بلکه با تصویب متمم‌های بودجه در ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ دولت درآمدهای نفتی را برای تأمین مالی هزینه‌های جاری به کار گرفت.

یکی از اقدام مهم بودجه ۱۳۸۵، پرداخت تسهیلات ارزان برای طرحهای زودبازده و اشتغال‌زا بوده است؛ ولی آثار توزیع تسهیلات بانکی ارزان بر ایجاد فرصت‌های اشتغال پایدار روشن نیست. بسیاری از طرحهای کوچک توجیه‌فنی و اقتصادی ندارد و به دست کسانی است که

○ ایران از پیامدهای منفی جهانی سازی، ورشکستگی بسیاری از تولیدکنندگان و بیکاری انبوهی از کارگران بویژه به علت ورود کالاهای ارزان چینی، آسیب می‌بیند، در حالی که نمی‌تواند از منافع ناشی از افزایش صادرات و جذب سرمایه‌های خارجی به گونه‌ای بهره‌مند شود تا این هزینه‌های سنگین را جبران کند.

۱۳۸۶ می تواند با مشکل کاهش در آمد ارزی روبه‌رو شود.

تجربه دو دهه گذشته نشان می دهد که برای رسیدن به توسعه پایدار، تشویق فعالیت بخش خصوصی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی باید در کانون توجه قرار گیرد. از این رو برای به دست آوردن نتایج گذرا و مبهم، نباید هدفهای میان مدت و بلندمدت تصریح شده در سند چشم انداز به حاشیه رانده شود.

### ۳-۱۶. حساب ذخیره ارزی

هدف از گشایش حساب ذخیره ارزی بر پایه ماده ۶۰ قانون برنامه سوم، رویارویی با پیامدهای منفی تکانه‌های مثبت و منفی نفتی بوده است. بدین سان تلاش شده است که از بی توجهی به منافع بین نسلی و آثار میان مدت زیانبار تزریق در آمد نفت به اقتصاد کشور جلوگیری شود.

برداشتهای پی در پی از حساب ذخیره ارزی، که با استدلال ایجاد تحرک در اقتصاد و از میان برداشتن مشکلات ساختاری انجام می شود، در واقع به بزرگ شدن دولت، ناکارآمدی روزافزون شرکتهای و بانکهای دولتی، ادامه یافتن پرداخت یارانه‌های بی هدف، از دست رفتن رقابت پذیری و پیدایش تورم بالا در اقتصاد کشور می انجامد و به ناکارایی اقتصادی دامن می زند.

اقلام مصارف بودجه ۸۵ نشان می دهد که اتکای بودجه سالانه کشور به درآمدهای نفتی بیش از سالهای گذشته شده است. میزان برداشتهای دولت از حساب ذخیره ارزی ۲/۵ برابر پیش بینی های برنامه چهارم توسعه بوده و با برنامه چشم انداز همخوانی ندارد. (جدول ۴) در برنامه چهارم توسعه ۲۳ میلیارد دلار مصرف ارزی در بودجه دولت پیش بینی شده بود ولی در بودجه ۸۵ و در دو ماه پایانی ۱۳۸۴ دولت بر سر هم ۶۰ میلیارد دلار مصرف ارزی در نظر گرفت. به سخن دیگر، دولت در ۱۴ ماه به اندازه کل برنامه سوم ارز مصرف کرده است.

### ۳-۷. مهار شدن تورم و افزایش توان خرید گروه های میانی و کم درآمد جامعه

در سند چشم انداز بر لزوم کنترل نقدینگی و کاهش نرخ تورم و افزایش توان خرید گروه های میانی و کم درآمد تأکید شده است؛ اما در سال ۱۳۸۴ پیامد سیاستهای مالی و پولی دولت به گونه رشد ۳۴ درصدی نقدینگی نمود یافت.

در ۱۳۸۵ نیز در سایه سیاست مالی انبساطی و فروش ارز از سوی دولت به بانک مرکزی میزان نقدینگی افزایشی بی سابقه یافت، به گونه ای که احتمال داده شد تا پایان ۱۳۸۵ میزان نقدینگی از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان فراتر رود. (مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۵) همان گونه که در جدول (۵) دیده می شود، دولت توانست از راه افزایش واردات، دادن یارانه های سخاوتمندانه و تثبیت بهای کالاها و خدمات دولتی تورم را تا اندازه ای مهار کند، ولی چنانکه گفته شد، آثار تورمی سیاستهای پولی و مالی انبساطی با وقفه بروز می کند و نخستین آثار آنها از نیمه دوم ۱۳۸۵ پدیدار شد.

بر پایه گزارش بانک مرکزی میزان نقدینگی در پایان تیر ۱۳۸۵ به ۹۹۴ هزار میلیارد ریال رسیده که نسبت به رقم ۷۲۹ هزار میلیارد ریال در تیر ۸۴ رشدی ۳۶/۳ درصدی نشان می دهد. بودجه هنگفت دولت، کشور را به دایره بسته افزایش هزینه های جاری دولت، رشد نقدینگی و افزایش نرخ تورم انداخته است. مهار کردن نرخ اسمی ارز، با وجود تورم دورقمی، به کاهش توان رقابت صادرکنندگان و افزایش گرایش به واردات انجامیده است و این وضع اتکای اقتصاد به درآمدهای نفتی را در سالهای آینده بیشتر خواهد کرد. آثار زیانبار تورم بالا در اقتصاد کشور می تواند به گونه بی ثباتی محیط اقتصاد کلان، هجوم

○ برای مهار کردن موج بیکاری و رویارویی با فقر و عقب ماندگی صنعتی و تکنولوژیک، که از هدفهای اصلی سند چشم انداز است، ایران نیازمند روابطی عادی با جهان است. هر گونه بحران که ریسک و نااطمینانی را افزایش دهد، به فرار سرمایه و نیروهای متخصص از ایران دامن خواهد زد. با افزایش تنش در روابط بین المللی، فرار سرمایه، بیکاری، فقر و همه مفاسد ناشی از فقر در جامعه افزایش خواهد یافت.

○ تجربه دو دهه گذشته نشان می‌دهد که برای رسیدن به توسعه پایدار، تشویق فعالیت بخش خصوصی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی باید در کانون توجه قرار گیرد. از این رو برای به دست آوردن نتایج گذرا و مبهم، نباید هدفهای میان مدت و بلندمدت تصریح شده در سند چشم‌انداز به حاشیه رانده شود.

چندان ثبات و اعتبار ندارد؛ مگر آنکه در پرتو وجود نهادهای ناظر و کنترل کننده، احتمال تغییر سیاستها از میان برود یا کاهش یابد. در صورت نبود اطمینان به ثبات در فضای سیاسی-اقتصادی، سرمایه بخش خصوصی به بخشهایی چون بازرگانی و خدمات، با انباشت سرمایه کمتر و برگشت سریع تر هزینه‌ها، سرزیر می‌شود. از این رو دولت ناگزیر است در بخشهای سرمایه‌بر به تنهایی سرمایه‌گذاری‌های لازم را انجام دهد؛ و بدین سان، خصوصی سازی واحدهای بزرگ صنعتی دشوار می‌گردد. بنابراین پایبندی دولت به هدفهای بلندمدت و ایجاد فضای اعتبار و اطمینان در پهنه سیاستگذاری، از مباحثی است که در اجرای راهکارهای سند چشم‌انداز اهمیت حیاتی دارد زیرا مایه بهبود انگیزشهای اقتصادی خواهد شد. به هر رو، برپایه عزم ملی برای تحقق بخشیدن به هدفهای بلند و ساختن آینده‌ای افتخار آمیز، می‌توان به افزایش سرمایه اجتماعی و توان بی‌چون و چرای آن برای از میان برداشتن چالشها امیدوار بود.

## ۵. جمع بندی و نتیجه گیری

ایران از منابع غنی انسانی و طبیعی لازم برای تبدیل شدن به کشوری پیشرفته برخوردار است. مهمترین کارویژه‌ای که سند چشم‌انداز فراروی دولت و شهروندان می‌گذارد، بهره‌گیری بهینه از این امکانات برای شتاب بخشیدن به آهنگ رشد و توسعه است.

نقدینگی به بازار دارایی‌ها، بویژه به بخش زمین و مسکن، و توزیع دوباره ثروت و درآمد به زیان تهیدستان نمایان شود.

## ۶. سرمایه اجتماعی

### و کارایی برنامه‌ها و سیاستها

اگر سند چشم‌انداز بتواند برداشت مثبت از آینده و امید به آینده را افزایش دهد، با توسعه سرمایه اجتماعی یکی از عناصر منفی مهم بر سر راه پیشرفت کشور از میان می‌رود؛ زیرا هنگامی که شهروندان باور کنند که دگرگونیهای مثبت و سازنده آغاز شده است، با پویایی بیشتری در فرایند توسعه مشارکت خواهند کرد. پایبندی دولت به سند چشم‌انداز، می‌تواند باور شهروندان به درستی و پایداری سیاستهای دولت را تقویت کند. رشد سرمایه اجتماعی در فعالیت شهروندان اثری ژرف خواهد داشت. در پرتو پایبندی عمومی به هدفها و راهکارهای سند چشم‌انداز، بخش خصوصی می‌تواند روند سرمایه‌گذاری خود را با در نظر گرفتن برنامه‌های بلندمدت کشور، طراحی کند و کارایی و بهره‌وری عوامل تولید را افزایش دهد.

برای ایجاد و حفظ چنین باور مثبتی در میان شهروندان، اعلام اولویتهای زمان‌بندی شده در راستای اصلاحات ساختاری و پایبندی به اجرای راهکارهای پیشنهاد شده در سند چشم‌انداز ضرورت دارد. با توجه به تغییر دولتها در دو دهه آینده، لازم است که انضباط در اجرای برنامه‌ها حفظ شود و بسته به سلیقه و گرایش دولتهای گوناگون اعتبار سند چشم‌انداز مخدوش نگردد. رشد اقتصادی و صنعتی، نیازمند محیط اقتصاد کلان با ثبات است که در دو سال گذشته با تغییر سیاستها در باره نرخ سود تسهیلات بانکی، حداقل دستمزد، یارانه‌ها و ... تأمین آن امکان‌پذیر نگشته است.

تصمیمات اقتصادی بنگاههای خصوصی در زمینه سرمایه‌گذاری و تولید، سخت از درجه اعتبار سیاستهای دولت اثر می‌پذیرد، زیرا وقتی انباشت سرمایه انجام گرفت تبدیل سرمایه‌های فیزیکی به دیگر دارایی‌ها دشوار می‌شود. اگر دولت زیر فشار رقبای سیاسی ناگزیر از تغییر دادن سیاستهای خود شود، بخش خصوصی در گذر زمان می‌آموزد که سیاستهای اعلام شده از سوی دولت

خصوصی و جامعه مدنی و پاگیری عزم ملی برای شتاب بخشیدن به آهنگ رشد اقتصادی و تأمین رفاه و بهروزی شهروندان از پیش شرط‌های اساسی اجرای سند چشم‌انداز است.

تأمین هدف‌های بلندمدت در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ریشه‌دار کردن عدالت اجتماعی، بی‌گمان در گرو رشد و رونق اقتصادی، توسعه فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد گروه‌های نیازمند اجتماعی از راه مشارکت در تولید است؛ و این خود در گرو فضای اثبات سیاسی و اقتصادی، شکوفایی و مسئولیت‌پذیری بخش خصوصی کارآفرین، توانمندی همه‌سویه نیروی انسانی، بالندگی نهادهای مدنی مستقل و بر سر هم‌پایبندی دولت به اصول حکمرانی خوب، ایجاد محیط مناسب برای کسب و کار و تعامل سازنده و فعال با نظام جهانی است. تنها در چنین بستر نهادی و اجتماعی است که سیاست‌های مالی و پولی، بازرگانی و صنعتی دولت چنانچه به درستی طراحی شده باشد، می‌تواند در جهت بهبود کارکرد نظام اقتصادی سودمند افتد.

موفقیت ایران در سال‌های آینده به ثبات سیاسی و اجتماعی، امنیت و رونق اقتصادی بستگی دارد. مداخلات گسترده، شتابزده و ناهماهنگ دولت در بازار کالا، بازار پول و سرمایه و اجرای سیاست‌های پولی و مالی انبساطی، تنش آلود بودن روابط خارجی، نامساعد بودن فضای سرمایه‌گذاری در کشور، افزایش ریسک‌ها و هزینه‌های بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی، کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی و خروج سرمایه‌های انسانی و مادی از کشور، همه می‌تواند راه رسیدن به توسعه پایدار را ناهموار سازد. افزایش برخوردهای بین‌المللی به کاهش رشد اقتصادی و افزایش رکود تورمی می‌انجامد و فرصت طلایی بهره‌گیری از افزایش بهای نفت در بازار جهانی، به‌منظور شتاب بخشیدن به آهنگ توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور را از میان می‌برد و دستیابی به هدف‌های مندرج در سند چشم‌انداز را ناممکن می‌سازد.

## ۶. پیشنهادها

ایران برای رسیدن به هدف‌های مندرج در سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ باید اقدامات زیر را برپایه برنامه‌ریزی درست و مناسب انجام دهد:

نشستن بینش بلندمدت به جای نگرش‌های کوتاه‌مدت و تبیین جهت‌گیری‌های سازگار با سند چشم‌انداز برپایه سازگاری و همدلی اندیشمندان و سیاستمداران و تبدیل آن به اراده سیاسی و فرهنگ عمومی برای دستیابی به هدف‌های بلندمدت در زمینه توسعه و رفاه ضرورت دارد. جهت‌گیری‌های اصلی در راستای توسعه پایدار با توجه به راهکارها در سند چشم‌انداز، باید در پرتو وفاق و تفاهم نخبگان و اندیشمندان با سلیقه‌های سیاسی گوناگون، در یک فرایند تعامل با افکار عمومی تبدیل به فرهنگ عمومی شود. حتی در صورت تغییر دولتها، این جهت‌گیری‌ها باید همچنان پابرجا بماند و در گذر زمان اصلاح و تکمیل شود. تنها از این راه است که باور شهروندان به آینده‌ای روشن تقویت می‌شود.

در حال حاضر این گروه و آن گروه به شیوه‌های گوناگون به سند چشم‌انداز بیست ساله استناد می‌کنند. این مسئله گویای کافی نبودن تنظیم این سند با عبارات کلی و شیواست که تنها هدف‌های آرمانی کشور را در ابعاد گوناگون نشان می‌دهد. نکته اصلی، تعیین استراتژی‌های کلی برای حرکت است. بی‌استراتژی و سیاست‌های هدفمند اقتصادی در زمینه تخصیص منابع ارزی و ریالی انعکاس یافته در بودجه‌های سالانه، تحقق هدف‌های مندرج در سند چشم‌انداز امکان‌پذیر نخواهد بود. سیاست‌های موردی و گذرا، در بیشتر موارد نه مشکلات اقتصادی را از میان می‌برد، نه شالوده‌ای استوار برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد. بدین سان، هدف ساخت یک کشور پیشرفته و توانمند، که باید الگویی چشمگیر از عدالت و توسعه در منطقه به نمایش گذارد، به فراموشی سپرده خواهد شد.

برپایه راهکارهای پیشنهاد شده در سند چشم‌انداز، لازم است در دو دهه آینده، بخش خصوصی کارآفرین سهم بیشتری در تولید ناخالص داخلی بر عهده گیرد. بدین منظور تلاش جدی نهادهای حکومتی، برای ایجاد زمینه‌های فعالیت هرچه بیشتر بخش خصوصی، ضرورت دارد. دولت باید برای تأمین منافع بخش خصوصی سیاست‌هایی در راستای ایجاد محیط مناسب کسب و کار به اجرا گذارد و انگیزه بخش خصوصی را برای حضور فعال در عرصه‌های گوناگون اقتصادی تقویت کند. برقراری تعامل سازنده میان دولت، بخش

- بانک مرکزی ایران (۱۳۸۴)، نماگرهای اقتصادی، شماره ۴۲، تهران

- بانک مرکزی ایران (۱۳۸۴)، خلاصه تحولات اقتصادی کشور - سال ۱۳۸۳، تهران.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۸۸-۱۳۸۴، تهران.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۴)، تصویر کلان لایحه بودجه سال ۱۳۸۵، تهران.

- گارت، مارتاجی. (۱۳۷۵)، «نگاهی به آینده: درس‌هایی از مطالعات قرن بیست و یکم»، مترجم تیمور محمدی، مجله برنامه و بودجه، ضمیمه شماره ۱۱، صص ۹۵-۱۲۲.

- گوده، میشل (۱۳۷۵) «از پیش‌بینی تا چشم‌انداز راهبردی»، مترجم محمدرضا صالح‌پور، مجله برنامه و بودجه، ضمیمه شماره ۱۱، صص ۹-۴۲.

- سردوخی، بایزید (۱۳۷۵)، «آینده پژوهشی و آینده‌نگری»، مجله برنامه و بودجه، ضمیمه شماره ۱۱، صص ۳-۸.

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۴) «برای لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور»، تهران.

- وزارت صنایع (۱۳۷۶) «افق ۱۴۰۰: برنامه راهبردی توسعه صنعتی ایران»، تهران.

- جهانگیری، اسحاق (۱۳۸۵)، «به دور از چشم‌انداز و برنامه»، اعتماد ملی، ۱۱/۳.

- چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ابلاغ مقام معظم رهبری، ص ۱.

- محمدرضا جواد یگانه، «برنامه توسعه، لیبرالیسم، سوسیالیسم، تعارض اهداف و وسایل»، پایان‌نامه دانشگاه تربیت مدرس.

- «مبانی نظری چشم‌انداز و برنامه چهارم توسعه»، نشریه برنامه، ش ۵۶، صص ۱-۶.

- مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۵)، «ارزیابی سیاست‌های اقتصادی دولت نهم»، تولیدگرایان، شماره دوم، صص ۳۶-۶۲.

- مؤذن جامی، محمدهادی (۱۳۸۴)، بررسی معضل قاچاق کالا و راهبردهای مبارزه با آن، مؤسسه عالی پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.

Baline J. and Kramarenko V. "Issues in Medium-Term Management of Oil Wealth", IMF, Sept. 2004.

Business Monitor International (2006) Country Risk Analysis. At <http://www.businessmonitor.com>.

Cooper, H. et al (1999), **The Influence of Social Support and Social Capital on Health Education Authority**, London.

Putnam R.D. (1993), "The Prosperous Community: Social Capital and Public Life", **The American Prospect**, No. 13, pp 36-42.

- گردآوردن گروهی از کارشناسان باتجربه برای پیگیری، هماهنگ کردن و نظارت بر راهکارها و هدفهای مندرج در سند چشم‌انداز؛

- ارزیابی مداوم سیاستهای پولی و مالی دولت در جهت ایجاد هماهنگی میان کارکرد دولت و راهکارها و هدفهای مندرج در سند چشم‌انداز؛

- ایجاد نظم در میان نهادهای دولتی و بخش عمومی، تقویت حاکمیت قانون و شفاف‌سازی فرایندهای اجرایی و اداری، به‌منظور تسهیل و تسریع تحقق هدفهای سند چشم‌انداز؛

- حرکت در جهت تبدیل درآمد نفت و گاز به دارایی‌های مولد به‌منظور پایدارسازی فرایند توسعه و تخصیص و بهره‌برداری بهینه از منابع؛

- پرهیز از توزیع رانت نفتی بر پایه انگیزه‌های سیاسی، برقراری انضباط مالی در بودجه دولت، ایجاد ثبات مالی در بودجه دولت و به کمترین اندازه رساندن اثر نوسانهای درآمد حاصل از صادرات نفت بر هزینه‌های دولت با بازنگری در مکانیسم بهره‌گیری از صندوق ذخیره ارزی؛

- تلاش بیشتر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌منظور افزایش صادرات صنعتی و توسعه آموزش و پژوهش؛

- کاهش دادن تنش در روابط سیاسی و افزودن بر دامنه روابط اقتصادی با کشورهای منطقه و جامعه بین‌المللی.

برای تحقق یافتن هدفهای اعلام شده در سند چشم‌انداز، عزم ملی، دگرگون شدن شیوه نگرش شهروندان در مورد فوریت و لزوم افزایش توان رقابتی کشور در طول دو دهه آینده، مشارکت نهادهای مدنی در طراحی و اجرای سیاستهای دولت، پاسخگو بودن دولت در برابر شهروندان، تأمین ثبات سیاسی کشور، برقراری تعامل سازنده میان دولت و بخش خصوصی و جامعه مدنی ضرورت دارد. اگر شهروندان به آینده‌ای روشن باور داشته باشند با قدرت چالش‌های پیش‌رو را به فرصت‌هایی ارزشمند مبدل خواهند کرد.

## منابع و مآخذ:

- بانک جهانی (۲۰۰۳)، اقتصاد ایران از دیدگاه بانک جهانی، گذار ایران در تبدیل ثروت نفت به توسعه، مترجم: احمد عظیمی بلوریان، سازمان بورس اوراق بهادار تهران.